



Linguistic Research in the Holy Quran
Vol. 15, No. 3, 2026
Research Paper

The Semantics of “Religion-Based Suffering” and Its Systematic Quranic Application Based on Bayan al-Saadah

Mohammad Ali Dayani, Habibollah Halimi Jolodar*

PhD in Religions and Mysticism and postdoctoral student at the University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Abstract

The Quran, as a comprehensive book of the three dimensions of revelation, intellect, and heart, contains numerous terms regarding the category of “suffering,” the most important of which are: "Kabad", "Anat", "Kadah", "Nasab", "Usr", "Darr", "Bass", "Qarh", "Azi", "Shiqah", "Alum", "Musiba", and "Bala". Based on the present research, the seeker perceives four general models of suffering, which are: "existential suffering", "religious suffering", "rational suffering", and "heart-centered suffering". This research, with a descriptive-analytical perspective, only looks at the model of "religious suffering" in the most frequent mystical commentary on the Quran, Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah, and seeks to answer these questions from a Quranic-mystical perspective: 1) What are the examples of religious suffering and which Quranic words can be considered examples of religious suffering? 2) What is the way to escape from it? 3) What is the reward for religious suffering? In monitoring the collection of Bayan al-Saadah's commentary, the most prominent words that can be considered for "religious-based suffering" are: "bas" and "zar" with the application of "faith and action", "qarh" and "museiba" with the application of "jihad", "azi" with the application of "hijrat" and "avoiding intercourse", "anat" with the application of "friendship with non-believers" and "seclusion".

Keywords: Quran, Religious Suffering, The Substance of Suffering, Liberation from Suffering, Reward for Suffering.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/nrgs.2025.142683.1991>

مقاله پژوهشی

معناشناسی «رنج دین‌بنیان» و کاربرست نظام‌مند قرآنی آن بر پایه بیان‌السعادة

محمدعلی دبانی^۱، حبیب‌الله حلیمی‌جلودار^۲

۱- دکترای ادیان و عرفان و دانشجوی پسادکتری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

M.alidayyani@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

jloudar@umz.ac.ir

چکیده

قرآن به عنوان کتاب جامع سه ساحت وحی، عقل و قلب، از واژگان متعدد درباره مقوله «رنج» بهره است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: «کَبَد»، «عَنَت»، «کَدَح»، «نَصَب»، «عُسَر»، «ضَرَّ»، «بَأْس»، «قَرَح»، «أَذَى»، «شِقَاء»، «أَلَم»، «مُصِيبَة» و «بَلَاء». بر پایه پژوهش حاضر، سالک، چهار مدل کلی از رنج را دریافت می‌کند که عبارت‌اند از: «رنج وجودپایه»، «رنج دین‌بنیان»، «رنج عقل‌مدار» و «رنج قلب‌محور». این پژوهش با نگره توصیفی-تحلیلی، فقط به سراغ مدل «رنج دین‌بنیان» در پُرسامدترین تفسیر عرفانی قرآن، بیان‌السعادة فی مقامات‌العبادة، رفته و در پی پاسخ به این پرسش‌ها از دیدگاه قرآنی-عرفانی است: ۱) رنج دین‌بنیان دارای چه مصداق‌هایی است و کدام واژگان قرآنی را می‌توان مصداق رنج دین‌بنیان شمرد؟ ۲) راه‌هایی از آن چیست؟ ۳) پاداش رنج‌بری دینی چیست؟ در پایش مجموعه تفسیر بیان‌السعادة، شاخص‌ترین واژگانی را که می‌توان برای «رنج دین‌بنیان» در نظر گرفت عبارت‌اند از: «بَأْس» و «ضَرَّ» با کاربرست «ایمان و عمل»، «قَرَح» و «مُصِيبَة» با کاربرست «جهاد»، «أَذَى» با کاربرست «هجرت» و «اجتناب از آمیزش»، «عَنَت» با کاربرست «دوستی با غیرهم‌کیش» و «عزوبت». واژگان کلیدی: قرآن، رنج دین‌بنیان، ماده رنج، رهایی از رنج، پاداش رنج‌بری.

۱- طرح مسأله

براهین مبتنی بر عقل و نیز شهودات مبتنی بر قلب را دارا باشد و به‌هیچ‌وجه مرتکب بخشی‌نگری نشود. اینکه هر یک از الاهی‌دانان به واسطه نگرش خود، گاه در مقام متکلم، گاه در مقام فیلسوف و گاه در مقام عارف، تفسیر منطبق با نگرش خود را ارائه می‌دهند، به‌هیچ‌وجه به معنای نفی سایر نگرش‌ها نیست و آنها هرگز در ارائه استدلال‌های خویش، درصدد ارائه نگاهی یک‌جانبه‌گرا نیستند، بلکه صرفاً از تعلق خود به یک حوزه مشخص

آموزه‌های دینی (وحی)، احکام برهانی (عقل) و نیز واقعات شهودی (قلب) به مثابه ظهور سه ساحت از عرصه‌های وجودی معرفت انسانی، ممکن است سه واکنش مختلف را در مواجهه انسان با چالش‌های زندگی از خود نشان دهند؛ حال آنکه از دیدگاه عرفانی، عقل آن‌گاه ظهور تام دارد و ساختمان آن بنایی کامل به شمار می‌آید که قدرت استنباط آموزه‌های دینی مبتنی بر وحی،

و سنت و عرفان، پژوهش‌هایی انجام شده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- **مهدوی آزادبنی و علیزاده (۱۳۹۵)** در مقاله «نقش معرفتی درد و رنج از دیدگاه قرآن کریم و روایات» فرضیه‌ای را بررسی می‌کنند که عبارت است از اینکه جهلی که انسان نسبت به خالق خود گرفتار می‌شود محصول غفلت از فطرت و صیانت آن است. نقش معرفتی شرور برای احیای شناخت فطری انسان نسبت به خداوند یکی از نتایج و کارکردهای شرور در زندگی انسان است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها با وجود اینکه فطرت الاهی دارند، به واسطه نوع رفتارها و شرایط اجتماعی ممکن است بر ذات الاهی خود، یعنی فطرت، آسیب وارد کنند و سنت الاهی از طریق واردکردن درد و رنج شرایط برای بیداری ذات آدمی را با رعایت حریم اختیار انسان هدف قرار می‌دهد.

- **شریفی و رضایی (۱۳۹۷)** در مقاله «راهبرد قرآن کریم و روایات در کاهش رنج‌های بشری» معتقد هستند قرآن و روایات با ارائه تفاسیر و آموزه‌های خاص از رنج، این تولدانی را دارند تا معنای رنج‌های عظیم بشری را با وساطت ایمان به یک نظام مقدس، روحانی و هوشمند پیوند زنند و آنها را هدف‌مند کنند. اصلی‌ترین راهبرد قرآن و روایات در کاهش رنج‌های بشری برساختن «معنا» برای رنج است. این آموزه‌ها مجموعه‌ای از متغیرها را به هم پیوند می‌دهند. این متغیرهای زنجیره‌ای از ایمان به خدا و معاد شروع می‌شوند و با بهره‌گیری از متغیرهای میانجی همچون توکل، صبر، جهاد و هجرت، به متغیر نهایی، یعنی رهایی از رنج و رستگاری در دو بُعد دنیا و آخرت، ختم می‌شوند.

- **رودگر (۱۳۹۷)** در مقاله «رنج و رهایی از آن در معارف و حیانی با رویکرد عرفانی»، با اشاره به مسئله رنج، یکی از نتایج نوشتار را این می‌داند که بر اساس عرفان اهل‌بیتی، سه نوع مواجهه بینشی (اندیشه توحیدی)، گرایش (انگیزه توحیدی) و مواجهه کنشی (انگیخته

معرفتی سخن می‌گویند. باید توجه داشت مسئله رنج امری بنیادی است که درک آن در گرو فهم توأمان انسان دین‌دار از سه مقوله وحی، عقل و قلب است. به عقیده نگارندگان، یکی از بهترین راه‌هایی که در پرتو آن بتوان فهم انسان دین‌دار مسلمان را در مواجهه با مسئله رنج فریه کرد، بررسی این مقوله انسان‌شناختی از دیدگاه عارفان نظری است؛ چه عارفان مفسری که به تفسیر قرآن همت گماردند و نیز عارفانی که گاه در پرتو بسط موضوع، به آیه‌ای از قرآن کریم استناد و به صورت موردی آن را شرح و تفسیر کرده‌اند. پژوهش حاضر از بین چهار مدل یادشده، فقط به سراغ مدل «رنج دین‌بنیان» رفته و در پی پاسخ به این پرسش‌ها از دیدگاه قرآنی و با نگرش عرفانی، در پُرسامدترین تفسیر عرفانی قرآن، یعنی تفسیر بیان السعاده است: ۱) رنج دین‌بنیان دارای چه مصداق‌هایی است و کدام واژگان قرآنی را می‌توان مصداق رنج دین‌بنیان شمرد؟ ۲) راه رهایی از آن چیست؟ ۳) پاداش رنج‌بری دینی چیست؟ از آنجا که تا کنون در رابطه با مسئله رنج در قرآن کریم با نگرش دینی مبتنی بر دیدگاه عارفان مفسر قرآن و همچنین تدوین اصطلاح‌شناسی «رنج دین‌بنیان» بر پایه روش توصیفی-تحلیلی پژوهشی انجام نشده و نیز به ویژه اینکه مسئله رنج دین‌بنیان از دیدگاه تفسیر عرفانی بیان السعاده فی مقامات العبادة بررسی نشده است، ضرورت انجام این پژوهش فراهم آمد. هدف از نگارش این پژوهش نیز این است که مخاطب با راهبردهای متعدد قرآن در مواجهه با مسئله رنج آشنا شود و با نگره عرفانی (توجه به سه مقوله وحی، عقل، قلب) بتواند واجد دریافت پیام قرآن شود و خویش را از بیماری‌های جسم و روان برهاند که مصادیق تام رنج در عالم ناسوت هستند.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهشی وجود ندارد که به طور مستقل این موضوع را بررسی کرده باشد؛ اما درباره مفهوم رنج از دیدگاه قرآن

۲-۳- رنج دین بنیان

از آنجا که وحی (دین) به عنوان یکی از منابع حجیت در عرفان نظری اطلاق شد (رحیمیان، ۱۳۹۵، ص ۲۱)، باید توجه داشت قسمی از این رنج به واسطه اتیان و انجام دستورات دینی بر سالک مترتب می‌شود. سالک در طریق سلوک و بر مبنای اصل مشهور عرفانی «شریعت، طریقت، حقیقت»، از مسیر ظاهر (شریعت) و رهگذر باطن (طریقت)، در پی وصول به ذات حق (حقیقت) است؛ به همین دلیل، التزام به دستورات دین، با وجود رنج‌آوری در امر اجرا، زمینه ترقی سالک را فراهم می‌کند. برای نمونه، می‌توان «بأس»، «ضرر»، «قرح»، «اذی»، «مصیبه» و «عنت» را در دسته رنج‌های دین بنیان قرار داد که در این پژوهش، در این زمینه توضیح بیشتری داده شده است. به بیان دیگر، می‌توان مواردی مانند انجام واجبات، ترک محرمات، پذیرش مرگ و پس از مرگ و مانند آن را به واسطه دستاویز زیاد مفهومی که در قرآن و حدیث وجود دارد، در شمار رنج دین بنیان برشمرد.

۳-۳- تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده

تفسیر عرفانی و شیعی قرآن به عربی تألیف حاج ملاسلطان محمد گنابادی (۱۲۵۱ ه.ق-۱۳۲۷ ه.ق)، ملقب به سلطان علیشاه و مشهور به سلطانعلی گنابادی و نام کامل آن بیان السعاده فی مقامات العباده است. اهمیت این تفسیر از آن رو است که یگانه تفسیر کامل قرآن به مذاق عرفانی شیعه است که تا کنون برجای مانده است. مدار این تفسیر حول مفهوم ولایت به معنای عرفانی و شئون و جولنب مختلف آن است؛ چنانکه در آن، آیات راجع به کفر و ایمان، به کفر و ایمان نسبت به مقام ولایت تفسیر شده است. بیان السعاده علاوه بر جنبه‌های عرفانی، جنبه‌های روایی، فقهی، فلسفی، کلامی و ادبی نیز دارد. از جنبه نقلی و روایی و بحث درباره شأن نزول آیات، مباحثی گسترده دارد و عمده اقوال و مطالب منقول در آن مستند به احادیث و اخبار مروی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار

توحیدی) با رنج تبیین می‌شوند و انسان آگاه به فلسفه رنج تکوینی و تشریعی، از همه تهدیدها فرصت می‌سازد و برای تعالی وجودی خود بهره می‌برد.

- ذوالفقاری (۱۳۹۹) در مقاله «کارکردهای روان‌شناختی- تربیتی درد و رنج از دیدگاه قرآن کریم» درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که درد و رنج از دیدگاه قرآن دارای چه کارکردهای روان‌شناختی و تربیتی هستند و چگونه موجب تقویت و تحکیم خدلباوری و معرفت انسان به خداوند می‌شوند. نیز برای این امر، به آموزه‌هایی از قرآن اشاره می‌کند.

- زرسازان و قوام (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل مؤلفه‌های معنایی مفهوم رنج در قرآن کریم با بهره‌گیری از روابط هم‌نشینی»، با تحلیل معنای واژگان از طریق روابط معنایی همنشین‌هایشان و سپس مشخص کردن حوزه معنایی و در نهایت مؤلفه معنایی آنها، جایگاه واژه‌های «عنت»، «نصب»، «کدح» و «کبد» را مشخص کردند.

وجه تمایز نوشتار حاضر این است که سالک با راهبرد قرآن کریم در مواجهه با مسئله رنج از نگره دینی، به مثابه یک دستگاه منسجم فکری سه‌گانه (ماده، نسخه‌رهایی، پاداش) آشنا شود و بتواند واجد دریافت پیام قرآن شود و خویش را با نگره عرفانی از معرض رنج برهاند.

۳- تعریف واژگان

۳-۱- رنج

به مفهوم رنج می‌توان با نگره‌هایی متعدد نگریست؛ اما در یک عبارت، می‌توان آن را آلام نفسانی انسان دانست که برآمده از مصایب انسانی است. این آلام نه فقط شامل دردهای جسمانی حاصل از بیماری‌های روزمره می‌شود، بلکه آلام معنوی و مادی انسانی را در بر می‌گیرد که برای افراد و جوامع در تاریخ رخ داده است (بابایی، ۱۳۹۳، ص ۲۷). نیز به معنای محنت، زحمت، مشقت، کُلفت، تعب، عناء و سختی ناشی از کار و کوشش نیز ترجمه شده است (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل ماده رنج).

(ع) است. در نقل احادیث، از تفسیر صافی فیض کاشانی و تفسیر برهان سیدهاشم بحرانی استفاده کرده است (سمیعی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵).

۴-۱- رنج وجودپایه

مراد از رنج وجودپایه که واژه برساخته پژوهشگران این پژوهش است، این است که صورتی از رنج را در ادبیات قرآن می‌توان مشاهده کرد که ای بسا انسان در تولید و ساخت آن برای خود هیچ مداخلیتی ندارد، بلکه حالتی تکوینی و وجودی دارد. مراحل نه‌گلنه پیش از تولد تا هنگام تولد و نیز پس از تولد وی، همان رنج‌های تکوینی یا وجودی هستند که سالک به مجرد آنکه در نشئه ناسوت ظاهر شد، اقتضائات عالم ناسوتی شامل حالش می‌شود و او را در عرصه مشقت و رنج قرار می‌دهد؛ زیرا او اراده‌ای در برگزینی این رنج برای خود یا دیگران ندارد (برای اطلاع بیشتر از مسأله رنج تکوینی ر.ک: رودگر، ۱۳۹۷). در ادبیات قرآنی، بنا به برخی از تفاسیر، می‌توان «کبد» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۰، تفسیر سوره بلد) «کدح» و «مشقه» و ... را از دسته رنج‌های وجودپایه دانست؛ چنانکه علامه طباطبایی در بیان تفسیر «کبد» نوشتند: «بیانگر این حقیقت است که خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت است. هیچ شأنی از شئون حیات را نخواهی دید که توأم با تلخی‌ها و رنج‌ها و خستگی‌ها نباشد. از آن روزی که در شکم مادر روح به کالبدش دمیده شد تا روزی که از این دنیا رخت برمی‌بندد، هیچ راحتی و آسایشی که خالی از تعب و مشقت باشد نمی‌بیند و هیچ سعادت را خالص از شقاوت نمی‌یابد. تنها خانه آخرت است که راحتی‌اش آمیخته با تعب نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص ۴۸۳). به بیان دیگر، می‌توان مواردی مانند مشقات پیشا تولد، حین تولد و پسا تولد را در حساب رنج وجودپایه آورد.

۴- تحلیل کلی گونه‌شناسی «رنج»

بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده، مسئله رنج به گونه‌هایی مختلف دسته‌بندی شده است: رنج‌های امحاپذیر و رنج‌های امحانپذیر (دباغ، ۱۴۰۱، ص ۳۱۶). همچنین، اقسام رنج به رنج‌های رهن و رنج‌های رهگشا نیز تقسیم شده‌اند (دباغ، ۱۴۰۱، ص ۳۱۶). در پژوهشی دیگر، نیز رنج‌ها به دو گونه رنج‌های تکوینی و رنج‌های تکاملی تفکیک شده‌اند (رودگر، ۱۳۹۷، ص ۷۴). اما همان‌گونه که واضح است، این تقسیم‌ها با جهان‌بینی عارف و سالک راه حق اندکی تفاوت دارند. سالک، رنج‌های امحاپذیر، رنج‌های رهن و رنج‌های تکوینی را رنج نمی‌داند و در نظر وی، آنها به مثابه مقدمات راه هستند که سالک باید ناگزیر آن را طی کند و طی این مسیر در ید قدرت او نیست؛ پس او در جهان‌بینی خود آنها را اسباب گزیرناپذیر و گزیرناپذیر آفرینش به شمار می‌آورد و به بیان دیگر، به‌هیچ‌وجه برای تحمل امری که خارج از اراده او است، نقشه سلوکی نمی‌کشد؛ اما برای آن چالش‌ها نیز حتماً نسخه‌ای می‌اندیشد. اما رنج‌های امحانپذیر، رهگشا و وجودی، مقدمه سلوک عارف هستند که برای آنها، بر پایه منابع حجیت در عرفان نظری، به دنبال راه رهایی می‌رود و تلاش خود را در راستای کسب پاداش موعودِ الهی متوقف می‌کند. طبق این شرح از گونه‌های رنج بر اساس عرفان نظری قرآن‌بنیان، بر پایه بیان السعاده، سالک چهار مدل کلی از رنج را دریافت می‌کند و برای آنها نیز در پرتو قرآن، راه رهایی می‌یابد و در نهایت، در انتظار پاداش مقام حق می‌نشیند. این چهار مدل عبارت‌اند از: «رنج وجودپایه»، «رنج دین‌بنیان»، «رنج عقل‌مدار» و «رنج قلب‌محور». اکنون به گونه‌های رنج در سپهر عرفان (به‌جز

۴-۲- رنج عقل‌مدار

عقل نیز به عنوان یکی از منابع حجیت در عرفان نظری اطلاق شد (رحیمیان، ۱۳۹۵، ص ۲۱)، باید توجه داشت قسمی از این رنج به واسطه اتیان و انجام دستورات عقلی بر سالک مترتب می‌شود. دسته‌ای دیگر از رنج‌ها که در مسیر زندگی ناسوتی برای عارف سالک رخ‌نمایی می‌کند عبارت است از: رنج عقل‌مدار. پُرآگاهی و معرفت، تسامح و تساهل با خلق، نفس‌زدگی این‌جهانی و مواردی مانند آن، برای سالک رنج‌آور است؛ زیرا او از نظر عقلی دارای برتری و واجد گذر از عالم ماده است؛ اما به اعتبار حیات در عالم ناسوت، از آگاهی زیاد دردش می‌آید و نیز از تسامح و مدارا با همه مخلوقات به رنج می‌افتد؛ تا جایی که ممکن است در امور دنیایی، به دلیل هم‌رنگ‌نشدن با خلق، از حق هادی خود نیز بگذرد تا عقل و معرفت خود را هم‌تراز سایر مخلوقات نکند که از این نعمت حق کمتر از او بهره برده‌اند! به قول مولانا:

هر که او بیدارتر پُر دردتر
هر که او آگاه‌تر رُخ زردتر
(مولانا، ۱۳۸۴، دفتر اول، بخش ۲۹)

در ادبیات واژگانی قرآن شاید نتوان واژه‌ای را اختصاصاً حمل بر این معنا دانست، اما از فحوای برخی از آیات می‌توان برخی از واژه‌های رنج وجودپایه را از این نظر که اختصاص به امر عالم ناسوت دارند و یکی از شئون عالم ناسوت هم بهره‌مندی از ساحت عقل است، بر این معنا حمل کرد. واژگانی مانند «کبد»، «نصب»، «عسر» و ... را می‌توان در شمار رنج عقل‌مدار در نظر گرفت؛ از این نظر که سالک در مسیر سلوک با استفاده از عقل ظاهر با رنج‌های ناسوتی مواجه می‌شود و چاره‌ای جز صبر در برابر امور یادشده ندارد. به بیان دیگر، صبر مرتبه‌ای است که اینجا ساحت عقلی خود را ظاهر می‌کند.

۴-۳- رنج قلب‌محور

وقتی سخن از رنج عرفانی است و مطابق آنچه به

شهود (قلب) به عنوان یکی از منابع حجیت در عرفان نظری اطلاق شد (رحیمیان، ۱۳۹۵، ص ۲۱)، باید توجه داشت قسمی از این رنج به واسطه اتیان و انجام دستورات سلوکی بر سالک مترتب می‌شود. به بیان دیگر، رنج‌هایی که در تقویت شهودی و سلوکی عارف مؤثر هستند را می‌توان در این شمار آورد. طی طریق سلوکی، جنب‌وجوش با غیرحق، عدم اتصال ظاهری با انسان کامل و مواردی مانند آن می‌تواند عارف را به مشقت بیندازد و وی را رنج‌آلود کند. عارف با نسخه صبر و نسخه پاداش، از مرحله ناسوتی این رنج گذر و خود را به صورت مثالی عالم نزدیک می‌کند تا پاداش رنج‌بری و صبر خود را دریابد. واژگانی مانند «الم»، «مصیبه»، «بلاء»، «قرح»، «کبد» (به اعتبار تفسیر باطنی‌اش) و مانند آن را می‌توان در شمار رنج قلب‌محور آورد؛ چنانکه ابن عربی در تفسیر باطنی از «کبد» آورده است: «مکابده و مشقه من نفسه و هواه او مرض باطن و فساد قلب و غلط حجاب إذ (الکبد) فی اللغة غلط الکبد للذی هو مبدأ القوة الطبیعیة و فساد و حجاب القلب و فساد من هذه القوة. فاستعیر غلط الکبد لغلط حجاب القلب و مرض الجهل» (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۳).

از آنجا که در این پژوهش، بناست تا صرفاً به مقوله «رنج دین‌بنیان» از دیدگاه عرفانی و به مثابه یک دستگاه فکری اشاره شود، شایسته آن بود تا در اثری گران‌سنگ و وزین به دنبال ترسیم این نظام‌مندسازی باشیم. به همین دلیل، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد محوره بحث قرار گرفت. از آنجا که از دل تفسیر یادشده می‌توان گونه‌های چهارگانه رنج عرفانی را بررسی کرد، نگارندگان در این مجال، درون‌مایه‌های این تقسیم از نگاه بیان السعاده را بررسی و سایر گونه‌ها را به پژوهش‌های آتی واگذار کرده‌اند:

۵- نظام‌مندسازی رنج دین‌بنیان (ماده رنج، راه رهایی، پاداش رنج‌بری)

وقتی سخن از رنج عرفانی است و مطابق آنچه به وحی (دین) به عنوان یکی از منابع حجیت در عرفان نظری اطلاق شد، باید توجه داشت قسمی از این رنج به

حين البأس» به شدت کشتار، و «أولئك» به بزرگانی که عظمت آنان منحصر به این اوصاف بزرگ است، تفسیر شود (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۴۹).

۵-۱-۲- راه‌هایی از رنج ایمان و عمل: صبر بر طاعت و مصیبت و معصیت

همان‌گونه که در متن آیه تصریح شده، هر که صفات یادشده را واجد شود، در واقع رنج ناشی از به دست آوردن صفات را نیز به جان خریده است. از آنجا که از رنج و تعب‌گزیر و گریزی نیست، باید در پی راه‌هایی از آن بود. قرآن راه‌هایی از آن را صبر معرفی کرده است. اندیشوران عرصه دین، به پیروی از پیشگامان آیین اسلام، اقسام صبر را مشتمل بر سه حوزه دانسته‌اند: صبر بر طاعت و مصیبت و معصیت.

۵-۱-۳- پاداش رنج‌بری ایمان و عمل: درآمدن در جرگه راستگویان و پرهیزکاران

هر کسی که رنج می‌کشد و صبر می‌کند، به انتظار پاداش از سوی مقام حق نیز می‌نشیند. پاداش کسانی که رنج‌های مطرح‌شده در آیه را تحمل می‌کنند آن است که در شمار راستگویان و پرهیزکاران عالم درمی‌آیند و به نظر می‌رسد هیچ عاقبت‌به‌خیری و پاداشی برتر از این امر وجود ندارد.

۵-۲- قَرَح و مُصِيبَة

آیه ۱۴ آل عمران با اشاره به واقعه جنگ احد، آورده است: «اگر به شما در جنگ احد آسیبی رسید به دشمنان شما نیز در بدر شکست و آسیب سخت رسید؛ چنان‌که آن‌ها مقاومت کردند، شما نیز مقاومت کنید. این روزگار را به اختلاف احوال میان خلائق می‌گردانیم که مقام اهل ایمان معلوم شود تا از شما مؤمنان آن را که ثابت در دین است (مانند علی (ع) و شیعیانش) گواه دیگران کند و خداوند ستمکاران را دوست ندارد.»

واسطه اتیان و انجام دستورات دینی بر سالک مترتب می‌شود. سالک در طریق سلوک و بر مبنای اصل مشهور عرفانی «شریعت، طریقت، حقیقت»، از مسیر ظاهر (شریعت) و رهگذر باطن (طریقت)، در پی وصول به ذات حق (حقیقت) است؛ به همین دلیل، التزام به دستورات دین، با وجود رنج‌آوری در امر اجرا، زمینه ترقی سالک را فراهم می‌کند. در متن دین، نسخه‌هایی از رنج و پاداش رنج‌بری نیز آمده است که به برخی از این رنج‌های دین‌پایه اشاره خواهد شد:

۵-۱-۱- الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ

در آیه ۱۷۷ بقره آمده است: «نیکوکاری به آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید. لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقرا و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع وفا کند و در کارزار و سختی‌ها صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند. کسانی که به این اوصاف‌اند آن‌ها به حقیقت راستگویان عالم و پرهیزکاران‌اند.»

۵-۱-۱- ماده رنج: ایمان و عمل

گنابادی در جلد دوم بیان السعاده، در توضیح لغت «فی الْبَأْسَاءِ»، می‌نویسد بَأْس عبارت است از رنج و سختی در جنگ و «بُؤْس» بر وزن «گُرم»، اسم فاعل آن «بُئِیس» است که گفته می‌شود فلانی «بُئِیس» است یعنی شجاع و سخت دلاور است و بُئِیس بر وزن «سَمِع»، یعنی حاجتش سخت و شدید شد، و «الْبَأْسَاء» به معنای بلای سخت و بزرگ است و آنچه در اینجا مناسب است، این است که به شدت حاجت و دشواری و سختی و بلای در مال، «وَالضَّرَاءِ» در نفوس «و

۵-۲-۱- ماده رنج: انجام جهاد

گنابادی در تفسیر واژه «قَرَح»، گفته است آن را با فتح و ضم خوانده‌اند و هر دو مصدر هستند، یا «قَرَح» با فتح مصدر است و با ضم اسم مصدر به معنای درد و رنج و زخم است. در ادامه نیز اشاره کرده است «فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرَحٌ مِّثْلُهُ» یعنی در جنگ بدر یا در همان جنگ مثل همان درد و رنج به آن قوم هم رسی (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۴۰۲-۴۰۳).

یا در آیه ۱۷۲ آل عمران نیز واژه «قَرَح» را از پی مسئله جهاد احد آورده و گفته است: «آنان که دعوت خدا و رسول را اجابت کردند؛ پس از آن‌که به آن‌ها رنج و آلم رسید، از آن‌ها هرکه نیکوکار و پرهیزکار شد، اجر عظیم خواهد یافت.» گنابادی در تفسیر این آیه نیز با اشاره به عبارت «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ»، این جمله را صفت مؤمنان یا خبر مبتدای محذوف یا مفعول فعل مدح محذوف دانسته و نیز وجه دیگری را آورده است که می‌تواند مبتدا و خبر آن، جمله «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» در قالب جمله مستأنف و جواب سؤال مقدر باشد. او در ادامه، روایتی از پیامبر (ص) بعد از واقعه احد را نقل می‌کند که اشاره‌ای آشکار به مقوله رنج و زخم جهاد دارد (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۴۵۲-۴۵۴).

نیز در آیه ۱۶۵ آل عمران، با آوردن واژه «مُصِيبَةٌ»، به رنج مجاهدان جنگ احد اشاره کرده و آورده است: «آیا هرگاه مصیبتی به شما رسید (در جنگ احد) در صورتی که دو برابر آن آسیب به دشمنان رسید (در جنگ بدر) باز از روی تعجب گویند چرا به ما که اهل ایمانیم رنج رسید؟ بگو ای پیامبر این مصیبت از دست خود کشیدید که نافرمانی کردید که ایزد متعال بر هر چیز تواناست.» گنابادی در تفسیر عبارت «أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ» نیز آورده است در این آیه أ (استفهام) با «واو» (عطف) با هم جمع شده است که هرگاه همزه استفهام و ادات عطف با هم جمع شوند و همزه بر عاطف مقدم باشد، چند قول به این شرح آمده‌اند: برخی گفته‌اند باید همزه بعد از واو می‌آمد،

اما برای قوی بودن آن در صدارت، مقدم شده است. بعضی دیگر نیز گفته‌اند: همزه پیش از عبارتی بوده که حذف شده است؛ یعنی همزه به عاطف متصل شده است. آن عبارت محذوف در تقدیر در اینجا چنین است: (أُنْكَرْتُمْ الْبَلِيَّةَ الَّتِي وَرَدَتْ عَلَيْكُمْ بِتَقْصِيرِكُمْ فِي أَعْمَالِكُمْ وَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ)؛ یعنی آیا بلاهایی را که با کوتاهی در اعمالتان بر شما وارد شده انکار می‌کنید... نیز گفته شده است مُصِيبَةٌ یعنی مصیبتی که آن به سبب کشته شدن هفتاد مرد از شما در جنگ احد بود. همچنین، وی در توضیح «قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا» بیان داشته است: دو برابر آن به دشمن رسید به سبب هفتاد کشته و هفتاد اسیر! «قُلْتُمْ أَنِّي هَذَا»: گفتید این از کجا؟ یا چگونه است این؟ «قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ»: به آنان بگو که تقصیر از خود شماست چون شما در روز بدر، فدییه در مقلیل اسیرها را اختیار کردید در حالی که پیامبر (ص) خبر داده بود که حکم آنها کشتن است و بر هیچ پیامبری روا نبوده است که اسیر بگیرد مگر اینکه بسیار در زمین بکشد، پس شما اصرار در فدییه کردید، نه کشتن؛ تا اینکه خداوند، فداگرفتن را برای شما مباح گردانید مشروط بر اینکه در سال آینده از شما به عدد کسانی که از آنها فدا می‌گیرید کشته شود، پس شما این را قبول کردید و از هفتاد اسیر فدا گرفتید. در ادامه آیه آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» که یعنی وقتی نسبت بلا و مصیبت را به خودشان نسبت داد، این توهّم پیش آمد که آیا این مصیبت خارج از قدرت خداست؟ و جای این سؤال شد که آیا مصیبت و بلا با قدرت خدا بوده یا خارج از قدرت خدا؟ پس خداوند فرمود: خدا بر هر چیزی تواناست و می‌تولند به شما و دشمنانتان بلا و مصیبت بدهد و شما را به خاطر مصالحی که به استكمال نفوس شما برمی‌گردد خوار کند (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۴۴۴-۴۴۵).

۵-۲-۲- راه‌هایی از رنج جهاد: صبر بر طاعت و مصیبت

جهاد دستور خدای متعال است که به دو صورت عینی

و کفایی وارد شد. صرف‌نظر از مسئله اقسام آن، جهاد به همراه خود رنجی را دارد که قابل انکار نیست؛ از این رو، می‌توان راه‌هایی از رنج جهاد را نیز با نسخه صبر، از نوع صبر بر طاعت و صبر بر مصیبت معرفی کرد. جهاد دو روی رنج‌آلود دارد: آن‌گاه که التزام به طاعت الهی تو را از روال طبیعی زندگی خارج می‌کند، رنج دارد و نیز وقتی در حین جهاد مصیبتی بر تو می‌رسد، رنجناک است و راه‌هایی از آن فقط صبر است.

۵-۲-۳- پاداش رنج‌بری جهاد: نزول سکینه الهی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین پاداشی که خدای متعال به مؤمنان در قبال التزام به جهاد وعده کرده است، «سکینه» است. در میان عارفان مفسر قرآن، گنابادی در تفسیر بیان السعاده، بیشترین رمزگشایی‌ها را از این مفهوم والای عرفانی دارد و اخبار و روایاتی گوناگون را در غنای توضیح این مفهوم به میان آورد. وی در شرح آیه ۶۶ بقره می‌نویسد: «گاهی ربّ، به ربّ مضاف و ملاقات به ملاقات با ربّ مضاف از جهت ربوبیتش تفسیر می‌شود و آن ملاقات، به سبب ظهور صورت مثالی ربّ است در سینه (صدر) که در اصطلاح صوفیه فکر و در زبان شریعت سکینه نامیده می‌شود و آن ظهور صاحب‌الامر در عالم صغیر است.» (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۳).

وی با اشاره به موضوع تابوت و سکینه در شرح آیه ۲۴۸ بقره، از اخبار گوناگون در بیان سکینه خبر می‌دهد و مانند برخی دیگر از اهل عرفان، آن را بادی از بهشت می‌داند که صورتی مانند صورت انسان دارد و بنا بر خبری دیگر، سکینه را روح خدا می‌داند که صفت نطق دارد و حرف می‌زند؛ (بنی اسرائیل) هر وقت در چیزی اختلاف می‌کردند آن را به سخن می‌آوردند و سکینه نیز آنها را از آنچه می‌خواستند خبر می‌داد. همچنین، در خبر دیگر نیز آمده است سکینه‌ای که در بین بنی اسرائیل وجود داشت، بادی بود که از بهشت می‌وزید و برای او صورتی مانند

صورت انسان بود.

همچنین، در خبری دیگر آورده شده سکینه بادی است که از بهشت خارج می‌شود و صورتی مانند صورت انسان دارد و دارای بوی خوشی است و این همان است که بر ابراهیم نازل شد؛ آن‌گاه که حول ارکان خانه خدا دور می‌زد و آن پایه‌ها و ستون‌ها را به زمین می‌گذاشت. در خبری دیگر آمده است سکینه دو بال دارد و یک سر مانند سر گربه که از زیر جداست.

گنابادی در تحلیل و جمع‌بندی مفهوم سکینه در این آیه نوشته است از مجموع اخبار و بیان منظور برمی‌آید سکینه و بقیه (که مراد از تابوت است)، سینه‌ای است که با نور امام روشن شود و در آن، صورت غیبی از بهشت ظاهر شود. سینه‌ای که در آن صورت غیبی نمودار شود با نصرت و ظفر همراه است؛ ملائکه آن سینه را حمل می‌کنند و در میان آن طشتی است که دل‌های انبیا در آن شسته می‌شود و در آن ذریه‌های انبیا و صورت‌های آنها و بقیه آل موسی و هارون قرار دارند. در آن علوم و حکمت است و این صورت با ابراهیم (ع) بود و در اطراف ارکان خانه خدا دور می‌زد. ظهور این صورت بشارتی از جانب خداوند به نبوت و ولایت است که اگر در انسان متمکن و ثابت شود به منزله بادی است که از بهشت می‌وزد و بشارت به عنایت از جانب خدا می‌دهد و این سبب استجاب دعا و نازل شدن نصرت و تأیید از خداست. به همین دلیل، درباره سکینه این نکته در قرآن بیان شده که مقارن و همراه نصرت و تأیید خداست و همراه با لشکریانی است که شما آنها را نمی‌بینید.

صاحب بیان السعاده در تفسیر خود آورده است صوفیان این صورت را سکینه نام داده‌اند؛ زیرا آن سبب سکون و آرامش نفس است و به وسیله آن سختی تکلیف برداشته می‌شود و سختی به لذت تبدیل می‌شود. به واسطه آن، احسان حاصل می‌شود که عبارت از عبادت است، به نحوی که عابد خدا را می‌بیند؛ زیرا دیدن آن صورت،

دیدن خداست و قول امام صادق (ع) - «آیا خدا را در جایی که نشستی نمی‌بینی؟» - اشاره به همین دیدن است (رک: گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۵۰۱-۵۰۲).

گنابادی در شرح و تفسیر آیه ۲۰۰ آل عمران، آنجا که مبحث صبر و اقسام سه‌گانه آن را مطرح و به همین مناسبت به مفهوم سکینه اشاره کرده و در معنای لفظ مرابطه آورده است مرابطه در اخبار زیادی با اختلاف اندک در لفظ، به مرابطه با امام، یعنی ملازم امام بودن، تفسیر شده است و صوفیان به امثال این آیه بر گفته خودشان استشهاد کرده‌اند که سالک باید در ریاضات و ذکر و فکری که از صاحب اجازه در شریعت یا طریقت اخذ شده باشد، به نحوی که آینه قلبش از غبار کثرات صاف شود، مجاهده کند و در آن، صورت شیخش تجلی کند و از او غایب نشود و این اتصال و تجلی را مرابطه و حضور و فکر گفته‌اند و آن متجلی را سکینه می‌نامند. صوفیان می‌گویند سالک، مادام که متصل به ملکوت شیخش نشده باشد، سالک به طریق است نه سالک به سوی خدا؛ آن‌گاه که متصل به ملکوت شیخش شد، واصل به طریق می‌شود و سالک الی الله بر طریق قرار می‌گیرد. قبل از این اتصال، عبادت او با سختی و زحمت و اکراه همراه است، ولی بعد از وصول، عبادت با لذت و راحتی و از روی میل انجام می‌شود. و قول مولوی که می‌گوید:

جهد کن تا نور تو رخشان شود
تا سلوک و خدمت آسان شود

اشاره‌ای به همین ظهور و تجلی است (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۵۰۲-۵۰۳).

وی همچنین در شرح آیه ۱۵۴ انعام آورده است در اخبار، سکینه به چیزی تفسیر شده که دلالت بر ظهور ملکوت ولی امر در قلب می‌کند؛ زیرا در اخبار وارد شده که آن سکینه نسیمی است که از بهشت می‌وزد و آن صورتی مانند صورت انسان دارد؛ زیرا ملکوت از بهشت است و داشتن صورتی مانند صورت انسان دلالت می‌کند بر اینکه آن سکینه از ذوات جوهری ملکوتی است برای

اینکه آن از بهشت است، نه آنچه از لفظ «ریح» فهمیده می‌شود. در عرف صوفیان، ظهور ملکوت ولی امر بر قلب انسان را سکینه می‌نامند؛ چنانکه فکر و حضور نیز نامیده می‌شود. همین مسئله برآورنده مقصود ماست؛ آنجا که می‌گویند سالک باید صورت مرشد را نصب‌العین خود قرار دهد؛ یعنی باید نفسش را با عبادات صاف کند تا در قلبش ولی امرش ظاهر شود و به‌راستی با او همراهی حقیقی داشته باشد، نه آنچه از ظاهر لفظ توهم می‌شود که باید کوشش کند و صورت مخلوقی را تصور کند که این توهم به سوی خود او برمی‌گردد. از ائمه معصوم (ع) وارد شده است هنگام تکبیر الاحرام، رسول خدا (ص) را به یادآور و یکی از ائمه (ع) را نصب‌العین خود قرار بده. بنابراین، مقصود از ایمان در اینجا ایمان شهودی است نه ایمان به غیب (رک: گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۵، صص ۲۱۲-۲۱۴).

گنابادی در شرح و تفسیر آیه ۲۶ توبه نوشته است پس از آنکه مغلوب شدید و دانستید زیادی سپاه و تهیه اسباب موجب بی‌نیازی نمی‌شود و سبب غلبه قرار نمی‌گیرد، خداوند تعالی وقار و سکینه‌اش را که سبب اطمینان و قوت دل‌های شماست نازل فرمود. وی با تأکید بر این نکته که سکینه بنا بر آنچه در اخبار تفسیر شده، بادی است از بهشت و دارای صورتی مانند صورت انسان است؛ این مطلب را مقارن و مناسب تفسیر صوفیان می‌داند و می‌نویسد: «و آن با تفسیری که صوفیان از آن کرده‌اند مناسب دارد که آن صورت ملکوتی است که بر سینه انسان ظاهر می‌شود؛ در حالی که آن برای پیروان و مریدها به صورت ملکوتی شیخ مرشد درمی‌آید و برای متبوعین صورت مناسب آنها که بر حسب تفاوت مراتبشان ملک یا جبریل نامیده می‌شود و هنگامی که به صورت شیخ یا ملک درمی‌آید، ملکوتی که بر سالک متمثل و ظاهر می‌شود غالب شده، انانیت و نفسش مغلوب می‌گردد و در این موقع است که انسان می‌تواند بر نفس و هواهایش و بر ملک و کسانی که در آن ملک واقع شده‌اند غلبه داشته باشد؛ زیرا که او مؤید به سکینه قلبیه است که از جنس ملک و جذب‌کننده ملانکه

است، لذا پس از انزال سکینه فرمود: «وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا؛ و لشکریانی که نمی‌دیدید فروفرستاده شد» (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۱۹).

۵-۳-آذی (الف)

همچنین، در آیه ۱۹۵ آل عمران، با اشاره به مقوله رنج‌مند هجرت، از واژه «آذی» استفاده کرده و ضمن توجه‌دادن مؤمنان به این امر که پروردگار عمل هیچ فردی از مرد و زن را بی‌مزد نخواهد گذاشت، آورده است: «پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون شدند و در راه خدا رنج کشیدند و جهاد کردند و کشته شدند؛ همانا بدی‌های آنان را بپوشانم و آنها را به بهشت‌هایی در آورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از طرف خداوند و نزد خداست پاداش نیکو؛ یعنی بهشت لقای الهی!»

۵-۳-۱- ماده رنج: هجرت

گنابادی با اشاره به رنج‌بری در «راه حق»، عبارت «وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي» را این‌گونه تفسیر کرده است: «و در راه من رنج کشیدند، یعنی راه مدینه، یا راه و روش رسول (ص) یا راه تحصیل دین، از این رو «سبیل» (راه) را به خودش نسبت داده است تا بزرگداشت آن را برساند و ممکن است مقصود از «سبیل» خود دین یا رسول (ص) باشد، یا طریق قلب و ولایت که در حقیقت همان راه خدا است» (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۴۹۴-۴۹۵).

۵-۳-۲- راه رهایی از رنج هجرت: صبر بر طاعت و معصیت

هجرت به اعتبار اینکه در نهایت با شرایط خاص خود، یک دستور دینی است، اگر صبر بطلبد، می‌توان این نوع صبر را در شمار صبر بر طاعت در نظر آورد؛ زیرا ممکن است این خروج شخص از جغرافیای خود منجر به جهاد

و نیز کشته‌شدن وی شود و به این اعتبار که شرایط نامساعد و گناه‌آلوده منجر به خروج شخص از جغرافیای سکونت (هر نوع سکونتی) خویش شود، ابتدا صبر بر معصیت را طلبیده و سپس صبر بر طاعت (دستور حق) شامل آن شده است. پس باید گفت راه رهایی از رنج هجرت نیز صبر است.

۵-۳-۳- پاداش رنج‌بری هجرت: ورود به بهشت و لقای حق

همان‌گونه که در متن آیه اشاره شده است، کسانی که از وطن خود هجرت کردند و از دیار خویش بیرون شدند و در راه خدا رنج کشیدند و جهاد کردند و کشته شدند، خداوند بدی‌های آنها را می‌پوشاند و آنها را به بهشت‌هایی درمی‌آورد که زیر درختانش نهرها جاری است. در ادامه آیه نیز به همین میزان پاداش اکتفا نکرده و افزوده است: «این پاداشی است از طرف خداوند و نزد خداست پاداش نیکو؛ یعنی بهشت لقای الهی!»

۵-۴-آذی (ب)

در آیه ۲۲۲ بقره، نیز با طرح مسئله عادت ماهانه زنان و بهره‌بری از واژه «آذی»، رنج اجتناب از آمیزش را به زوجین یادآوری کرده و آورده است: «از عادت ماهانه زنان از تو می‌پرسند، بگو آن رنجی است برای زنان در آن حال حیض از مباشرت آنان دوری کنید تا آن‌که پاک شوند، چون پاک شدند از طریقی که خداوند مقرر داشته با آنان آمیزش کنید؛ همانا خداوند آنان را که پیوسته به درگاهش توبه و انابه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آلاشی را دوست می‌دارد.»

۵-۴-۱- ماده رنج: اجتناب از آمیزش

گنابادی در تفسیر این رنج، با اشاره به سنت شرایع پیشین درباره توجه به عدم هم‌بستری با زنان در طول عادت ماهانه،

پیوسته به درگاهش توبه و انابه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آلاشی را دوست می‌دارد! این امر بدان معناست که یکی از جنبه‌های دوست‌داشتن و مودت حق با بنده، آنجاست که بنده از آمیزش هنگام حیض زن امتناع می‌کند. این امر، علاوه بر اینکه فرد مؤمن را در تراز انسان‌های تائب و نده‌گر قرار می‌دهد، پاداش دوستی حق با وی را نیز برایش در پی خواهد داشت! تو گویی از لحظه اجتناب و صبر بر این طاعت، پاداش خویش را دریافت می‌کند و «خلیل الرحمان» به حساب می‌آید.

۵-۵- عَنَت (الف)

در آیه ۱۱۸ آل عمران، با طرح مسئله رنج دوستی با غیرهم‌کیش، از لفظ «عَنَت» استفاده و به نکته‌ای تربیتی اشاره می‌کند: «ای اهل ایمان! از غیر هم‌دینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید، زیرا آن‌ها که به غیر دین اسلامند از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای کوتاهی نمی‌کنند، آن‌ها مایلند که شما در رنج و سختی باشید، بر زبان هم آشکار می‌سازند، در صورتی که محققاً آنچه در دل پنهان می‌دارند بیش از آن است که بر زبان‌شان آشکار می‌شود. ما آیات خود را بر شما روشن کردیم اگر خرد و اندیشه به کار بندید.»

۵-۵-۱- ماده رنج: دوستی با غیر هم‌کیش

گنابادی با کاربری واژه «عَنَت» در این مصداق محتوایی، خواسته است شدت رنج و ضرر را در انتخاب دوست غیرهم‌کیش نشان دهد؛ از این رو، در برابر عبارت «وَدُّوا مَا عَنَتُمْ» آورده است: یعنی دوست دارند (عَنَت) شما را و آن شدت ضرر و مشقت است (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۳۷۳-۳۷۴). البته باید توجه داشت این عنوان را شاید نتوان به صورت مستقل به عنوان رنج دین بنیان به شمار آورد. به بیان دیگر، اگر «رنج دوستی با هم‌کیش» مدنظر آیه قرار می‌گرفت، می‌توانستیم آن را در شمار رنج دین بنیان بدانیم؛ اما اکنون به نظر می‌رسد توصیه در این آیه، در صورت ارتکاب

گفته است «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ» به قرینه پاسخی که داده شد به این معناست که از نظر زناشویی با زنان در حالت حیض، از تو می‌پرسند. طبق شرایع گذشته، در حال حیض، از زنان اجتناب می‌کردند و این اجتناب حتی شدیدتر از شریعت اسلام بوده است. انسان از هم‌خوابی با زنان در حالت حیض اکراه دارد؛ از این رو، پس از بعثت پیامبر (ص)، مردم از او راجع به همین قضیه سؤال می‌کردند. «قُلْ هُوَ أَذَىٌّ»: بگو آن کار (هم‌بستری با زن در موقع حیض) برای انسانیت انسان، اذیت و رنج است و این پلیدی آن است و برای نفس انسان از نظر تحت تأثیر قرارگرفتن و غلبه حیوانیت بر آن، رنج محسوب می‌شود و این برای آن است تا نفس از هم‌بسترشدن لذت ببرد و اکراهی که در حالت حیض است برایش وجود نداشته باشد. همچنین، اذیت و رنج برای بدن مردان است؛ زیرا آلت مرد از اثر خون و کیفیت آن متأثر می‌شود و حتی بعضی از امراض را موجب می‌شود و برای بدن زنان نیز نوعی اذیت و رنج به حساب می‌آید (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۴-۵).

۵-۴-۲- راه‌هایی از رنج اجتناب از آمیزش: صبر بر طاعت و معصیت

اجتناب از امر آمیزش با زنان در حالت حیض صبری را می‌طلبد که می‌توان آن را در زمره صبر بر طاعت و صبر بر معصیت به شمار آورد؛ به این معنا که عدم سرپیچی از دستور حق مصداق صبر بر طاعت است و نیز عدم ارتکاب هم‌بستری در چنین شرایطی که عوارض طرفینی دارد را می‌توان مصداق صبر بر معصیت دانست.

۵-۴-۳- پاداش رنج‌بری اجتناب از آمیزش: مودت حق با بنده

همان‌گونه که در متن آیه اشاره شد، خدای متعال به اجتناب‌کنندگان از این وضعیت امر کرده است زمانی که پاک شلند، از طریقی که خودش مقرر داشته، با زنان آمیزش کنند. در ادامه آیه آمده است خداوند آنان را که

فرد مؤمن، زمینه رنجی بر پایه مسئله‌ای عقلی را برای وی فراهم می‌کند تا مسئله‌ای دینی! لاهابا وجود این، از آنجا که خطاب آیه به مؤمنان است که غیرهم‌دین را به دوستی نگیرند تا دچار رنج و ضرر نشوند، می‌توان آن را در شمار رنج دین‌بنیان در نظر گرفت!

۵-۵-۲- راه‌هایی از رنج دوستی با غیرهم‌کیش: انجام طاعت

همان‌طور که اشاره شد، سیاق این آیه متفاوت از سایر آیات رنج‌شناسی دین‌بنیان است؛ زیرا در توصیه آن، حالت امتناعی وجود دارد که مؤمنان این فعل را انجام ندهند؛ زیرا تمایل غیرهم‌کیش به رنج و سختی آنهاست! نکته‌ای که باعث شد تا این آیه را در پژوهش حاضر بررسی کنیم توجه به این امر است که گاهی انسان تمایل دارد فارغ از مرزبندی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی عقیدتی، با غیر دوستی کند. قرآن آن را رنج می‌داند، اما از آنجا که از متن آیه، بر حذر داشتن استنباط می‌شود، می‌توان گوش‌سپاری به این فرمان حق را راه‌هایی از این نوع رنج قلمداد کرد. نکته جالب توجه اینکه به دلیل تفاوت ماهوی این مصداق از رنج دین‌بنیان با سایر مصداق یادشده، پاداش رنج‌بری نمی‌توان برای فرد مؤمن متصور بود. به دیگر سخن، مؤمن به دلیل عدم التزام به فرمان حق، در رنجی افتاد که نمی‌توان آن را در شمار «ابتلائات» آورد و به تبع، برای آن پاداشی فرض کرد.

۵-۶- عَنَت (ب)

آیه ۲۵ نساء نیز با مورد توجه قراردادن مسئله عزوبت به عنوان رنج زندگی، از واژه «عَنَت» استفاده می‌کند و با اشاره به حکم خدای متعال، مبنی بر اینکه در صورت عدم توانایی مردی که نمی‌تواند زن آزاد پارسا بگیرد، توصیه به گرفتن کنیز مؤمنه می‌کند و با برشماری احکامی از جمله ازدواج با کنیز به شرط اذن مالکش و پرداخت تعهد مهریه‌ای که معین شد، تأکید بر این امر دارد که کنیزکانی

که عقیف باشند، نه زناکار و نه رفیق‌باز را اختیار کنند. در ادامه می‌افزاید: «در صورتی که کنیزان، شوهر برگزیدند؛ چنانکه عمل زشتی از آن‌ها سرزد بر آن‌ها نصف عذاب زنان پارسای آزاد واقع خواهد شد. در ادامه آیه نیز این حکم (کنیز را به زنی گرفتن) را درباره کسی می‌داند که بترسد مبدا به رنج بیفتد!» (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۹).

۵-۶-۱- ماده رنج: عزوبت

گنابادی در بخش بعدی تفسیر آیه، به حدیثی از امام باقر (ع) اشاره می‌کند که درباره کنیزی که زنا می‌کند فرمود: «به اندازه نصف حد زن آزاد تازیانه زده می‌شود، چه زوج داشته باشد یا نداشته باشد». در روایتی دیگر آمده است که رجم و تبعید بر ایشان نیست. ذلک یعنی ترخیص نکاح کنیزان و «لَمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ» برای کسی است که از تجرد و عزوبت به رنج و زحمت بیفتد (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۱). مضمون این آیه نیز در آیه ۲۸ همین سوره آمده است؛ آنجا که انسان را با خلقت ضعیف یاد کرده است: «وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»، یعنی انسان ضعیف خلق شده است و نمی‌تواند در مقابل شهوت مقاومت و صبر کند تا جایی که ممکن است در زنا که مضر به حال اوست داخل شود. از این رو، برای او متعه و نکاح کنیزان را در مواقع ترس از وقوع در رنج و زحمت ترخیص کرد، ضمناً ترجیح داد تا حد امکان، از نکاح با کنیزان خودداری کند تا اینکه با هم‌خواهی به دلیل ضعیف بودنش، به جنس و صفت کنیزان درنیاید (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۳).

۵-۶-۲- راه‌هایی از رنج عزوبت: صبر بر طاعت و معصیت

راه‌هایی از رنج عزوبت را می‌توان در فراز پلایانی آیه جست‌وجو کرد؛ آنجا که به مرد توصیه می‌کند اگر صبر کند (تا وسعت یابد و زنی آزاد بگیرد) بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است.

۵-۶-۳- پاداش رنج‌بری عزوبت: نظم خانه و تربیت

فرزندان

گنابادی در تفسیر «بهتر بودن» منظور آیه، آن را به نظم خانه و تربیت فرزندان تعبیر کرده است؛ یعنی اگر مرد صبر کند و زنی آزاد (و نه کنیز) بگیرد، پاداش رنج‌بری او در نظم خانه‌اش و تربیت فرزندانش به طرزی شایسته‌تر قابل مشاهده خواهد بود (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۱).

۵-۷- بحث و تحلیل

چنانکه از مجموع یافته‌ها و بحث این پژوهش روشن شد، از پایش مجموعه تفسیر بیان السعاده، شاخص‌ترین واژگانی را که می‌توان برای «رنج دین بنیان» در نظر گرفت عبارت‌اند از: «بأس» و «ضرر» با کاربست «ایمان و عمل»، «قرح» و «مُصِیبه» با کاربست «جهاد»، «اذی» با کاربست «هجرت» و «اجتناب از آمیزش»، «عنت» با کاربست «دوستی با غیرهم‌کیش» و «عزوبت». اکنون زمینه لغوی کاربست این واژگان بررسی خواهد شد تا هدف قرآن از استعمال آنها نیز روشن‌تر شود:

در واژه‌شناسی «بأس»، باید توجه داشت ریشه کلمه «بؤس» است. بؤس و مشتقاتی مانند بأس و بأساء، هر کدام کاربستی متفاوت در قرآن دارند. بؤس بیشتر در جایی که سخن از فقر و جنگ است به کار می‌آید و بأس و بأساء درباره «نکایه». نکایه عبارت است از مجروح کردن و کشتن دشمن به وسیله ضرب و جرح، مانند آیه ۸۴ نساء^۱، آیه ۴۲ انعام^۲، آیه ۱۷۷ بقره^۳ (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۶۶).

نیز درباره واژه‌شناسی «ضرر»، این واژه به معنای سوء حال است. گاهی این سوء حال در نفس انسانی است که می‌تواند ناشی از کمبود علم و فضل و عفت باشد و گاهی هم در بدن است که می‌تواند ناشی از نبود جراحات‌زننده

باشد و گاهی هم در حالات ظاهری وی است که می‌تواند از کمبود مال و جاه باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۳). از آنجا که محتوای آیه مربوط به ایمان و عمل بوده است، از این واژه‌ها سود برده شد.

در واژه‌شناسی «قرح» نیز با توجه به معنای لغوی واژه، می‌توان برگزینی قرآن را در بهترین حلت ممکن معرفی کرد؛ زیرا قرح به معنای اثر جراحات شیء است که از بیرون اصابت می‌کند. جالب توجه اینکه «قرح» به معنای اثر از داخل است، مانند آبله، جوش، دمی‌دگی و قرآن. البته در این آیات، برای رنج مربوط به جهاد از واژه «قرح» استفاده شده است و نه «قرح» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۰).

نیز در واژه‌شناسی «مُصِیبه»، باید توجه داشت ریشه این کلمه «صُوب» است و صوب به معنای مختلفی از جمله فرود آمدن باران، فرود آمدن تیر و مواردی مانند آن است. مصیبه نیز به این خاطر در این فراز ظهور پیدا کرده است که اصل این واژه نیز به «رمیه» به معنای تیرانداختن به طور ناگهانی اشاره دارد. قرآن نیز اگر یکی از معانی رنج را مصیبه در نظر گرفته به این خاطر است که فرود ناگهانی رنج و بلا نیز در میدان جنگ و جهاد از این قاعده بیرون نیست!

در واژه‌شناسی «اذی» آمده که آن عبارت است از هر گونه ضرر نفسی و جسمی یا توابع آن، خواه دنیوی و خواه اخروی که به موجود زنده می‌رسد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵). با دقت نظر، می‌توان دریافت امر هجرت و اجتناب از آمیزش نیز می‌تواند رنج و ضرر دنیوی و ظاهری را برای فرد مهاجر (دوری از خلنه و کاشلنه) و فرد مجتنب (دوری از تمایل دائمی نفس) فراهم آورند. از این رو، قرآن از واژه‌ای عمومی‌تر بهره برده و به هیچ وجه از واژگان اختصاصی جهاد، عزوبت و مانند آن استفاده نکرده است!

نیز در واژه‌شناسی «عنت» آمده که فهم دقیق آن بر

^۳ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ...

^۱ وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكُّلًا.

^۲ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ...

وزن مفاعله است؛ آنجا که گفته شد: الْمُعَانَتَةُ مِثْلُ مُعَانَدَةٍ است؛ به این صورت که در آن نیز خوف و هلاکت راه دارد. از این رو، وقتی کسی در امری ترسناک واقع می‌شود که احتمال هلاکت او می‌رود، عرب از واژه «عَنْت» استفاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۴۹). اکنون روشن شد که چرا قرآن، برای دوستی با غیرهم‌کیش و نیز مسئله تعذب، از واژه عنت بهره برد؛ زیرا در هر دو امر، ترسی وجود دارد که بیم هلاکت می‌رود. غیرهم‌کیشی که حق انسان روا ندارد بسی خوفناک است و عزوبتی که باعث انجام گناهان پی‌درپی و در نهایت هلاکت قلب مرتکب آن شود نیز به واقع، ترسناک است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با طرح موضوع و بیان مسأله و برشماری اقسام رنج دین‌بنیان در آیه‌های مبارک قرآن کریم، به نظر می‌رسد، در نظر مخاطب پژوهش حاضر، مسیر سلوکی عارف با چشم‌اندازی عمیق‌تر و دقیق‌تر مواجهه شد. در این مجال، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مسأله اشاره می‌شود:

۶-۱- جمع‌بندی

در نظام فکری عرفانی، حتی رنج‌های دنیوی هم مقدمه توسعه صبر در تمام معانی‌اش (صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت) در وجود آدمی هستند و ارزنده‌ترین راهبردی که می‌توان برای توقف رنج برشمرد نیز همان مسئله «صبر» است. ادراک مسئله رنج بنیادی‌ترین چالش مواجهه ادیان با زندگی و معنای آن است که حل این مسئله در گرو فهم توأمان انسان دین‌دار از سه مقوله وحی، عقل و قلب است. به عقیده نگارندگان، یکی از بهترین راه‌هایی که در پرتو آن بتوان فهم انسان دین‌دار مسلمان را در مواجهه با مسئله رنج فربه کرد، بررسی مقوله انسان‌شناختی از دیدگاه عارفان نظری است؛ چه عارفان مفسری که به تفسیر قرآن همت گماردند و نیز

عارفانی که گاه در پرتو بسط موضوع، به آیه‌ای از قرآن کریم استناد و به صورت موردی آن را شرح و تفسیر کرده‌اند. بر پایه پژوهش حاضر، سالک چهار مدل کلی از رنج را دریافت می‌کند و برای آنها نیز در پرتو قرآن، راه‌هایی می‌یابد و در نهایت، در انتظار پاداش مقام حق می‌نشیند. این چهار مدل برساخته عبارت‌اند از: «رنج وجودپایه»، «رنج دین‌بنیان»، «رنج عقل‌مدار» و «رنج قلب‌محور». قرآن به عنوان کتاب جامع سه ساحت وحی، عقل و قلب، از واژگان متعدد درباره مقوله «رنج» بهره برده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: «كَبَدٌ»، «عَنْتٌ»، «كَدَحٌ»، «نَصَبٌ»، «عُسْرٌ»، «ضَرٌّ»، «بَأْسٌ»، «فَرَحٌ»، «أَذَى»، «شِقَاءٌ»، «أَلَمٌ»، «مُصِيبَةٌ» و «بَلَاءٌ». بر این اساس، از میان چهار مدل یادشده، پژوهش انجام‌شده فقط به سراغ مدل «رنج دین‌بنیان» در پُرسامدترین تفسیر عرفانی قرآن، بیان السعاده فی مقامات العباد، رفته و در پی پاسخ به برخی از پرسش‌ها از دیدگاه قرآنی-عرفانی است که معرفت‌شناسی آن مبتنی بر وحی، شهود و عقل است. هدف از نگارش این پژوهش نیز این‌گونه معرفی شد که مخاطب با راهبردهای متعدد قرآن در مواجهه با مسئله رنج دین‌بنیان آشنا شود و بتواند واجد دریافت پیام قرآن شود و خویش را از بیماری‌های جسم و روان برهاند که مصادیق تام رنج در عالم ناسوت هستند. اینکه نگارندگان تا چه میزان در انجام این امر موفق بوده‌اند، به قضاوت مخاطب بازمی‌گردد؛ اما با وجود کاستی‌های این اثر، همچنان با قوت می‌توان اشاره کرد تفاسیر عرفانی، به ویژه تفسیر عرفانی بیان السعاده، قابلیت ترسیم مدل مطالعاتی در شناخت اقسام رنج با نگره عرفانی را دارا هستند که این پژوهش فقط یک‌چهارم از این محتوای غنی را بررسی کرده است که قابلیت برساخته‌هایی نظام‌مند را با خود دارد و سایر کارها را به پژوهش‌های آتی واگذار می‌کند.

۶-۲- نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر، یافته‌هایی اختصاصی و نظام‌مند به صورت زیر مطرح و حاصل شدند:

۱- در نظام نظری عرفان، سالک چهار مدل کلی از رنج را دریافت می‌کند و این چهار مدل بر ساخته عبارت‌اند از: «رنج وجودپایه»، «رنج دین بنیان»، «رنج عقل مدار» و «رنج قلب محور».

۲- «رنج دین بنیان» به مثابه یک دستگاه نظام‌مند فکری است (مانند سایر اقسام رنج) و برای خود، اجزای

سیستماتیک دارد. این اجزا عبارت‌اند از: ماده رنج، نسخه‌رهای از رنج، پاداش رنج‌بری.

۳- تفاسیر عرفانی قرآن نیز به دلیل نگاه عقل مدارانه، دین بنیان و قلب محور، عالی‌ترین مصداق تولید این دستگاه فکری نظام‌مند هستند و از میان این تفاسیر، تفسیر شیعی بیان السعاده از ظرفیت زیاد نظام‌مندسازی برخوردار است.

۴- مصادیق رنج دین بنیان به همراه اجزای نظام‌مند آن، بر پایه تفسیر بیان السعاده، در قالب جدول (۱) نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱- دستگاه نظام‌مند رنج دین بنیان

ماده رنج	راه‌های از رنج	پاداش رنج‌بری	عنوان قرآنی
ایمان و عمل	صبر بر طاعت و مصیبت و معصیت	درآمدن در جرگه راستگویان و پرهیزکاران	«بأس» و «ضَرَّ»
جهاد	صبر بر طاعت و مصیبت	نزول سکنه الهی	«قَرَح» و «مُصِيبَه»
هجرت	صبر بر طاعت و معصیت	ورود به بهشت و لقای حق	«أَذَى»
اجتناب از آمیزش در زمان حیض	صبر بر طاعت و معصیت	مودت حق با بنده	«أَذَى»
دوستی با غیرهم‌کیش	انجام طاعت	----	«عَنْتَ»
عزوبت	صبر بر طاعت و معصیت	نظم خانه و تربیت فرزندان	«عَنْتَ»

۶-۳- ارائه پیشنهاد

نگارندگان برای پژوهش‌های آتی، موارد زیر را در رابطه با همین بحث پیشنهاد می‌دهند:

۱- بر ساخته‌ای نظام‌مند با عنوان «رنج وجودپایه» و کاربریست قرآنی آن بر پایه بیان السعاده یا سایر تفاسیر عرفانی.

۲- بر ساخته‌ای نظام‌مند با عنوان «رنج عقل مدار» و کاربریست قرآنی آن بر پایه بیان السعاده یا سایر تفاسیر عرفانی.

۳- بر ساخته‌ای نظام‌مند با عنوان «رنج قلب محور» و کاربریست قرآنی آن بر پایه بیان السعاده یا سایر تفاسیر عرفانی.

تشکر و قدردانی

این پژوهش مستخرج از رساله پژوهش پسادکتری با عنوان «پدیدارشناسی رنج انسان بر پایه تفاسیر عرفانی قرآن» در دانشگاه مازندران است. نویسندگان مراتب قدردانی خود را از دانشگاه مازندران به عنوان حامی این طرح پژوهشی پسادکتری اعلام می‌دارند.

منابع

ابن عربی، محیی‌الدین. (بی‌تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دار صادر.

بابایی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). رنج عرفانی و شور اجتماعی

گنابادی، سلطان‌علی. (۱۳۷۲). *بیان‌السعادة فی مقامات‌العباده (مجموعه ۱۴ جلدی)* (رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی، مترجمان، جلد‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). *قرآن کریم و شرح منتخب آیات*. تهران: نشر اسوه.

مولانا، جلال‌الدین. (۱۳۸۴). *مثنوی معنوی*. تهران: نشر روزنه.

مهدوی آزادبنی، رمضان، و علیزاده، سیده مریم. (۱۳۹۵). *نقش معرفتی درد و رنج از دیدگاه قرآن کریم و روایات*. فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ۷(۴)، ۷۱-۹۱.

https://journals.iau.ir/article_653426.html

References

- Babaei, H. (2014). *Mystical suffering and social passion (functions of remembering the Ashura event in today's world)*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Dabbagh, S. (2022). *From Khayyam to Yalom*. Toronto Foundation, Canada: Suhrawardi. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1962). *Dehkhoda Dictionary*. Isfahan: Ghaemieh Digital Book Market. [In Persian]
- Gonabadi, S. A. (1993). *Bayan al-Saadah fi Maqamat al-Ibadah (14-volume collection)* (R. Khani & H. Raazi, Trans.; Vols. 1, 2, 3, 4, 5 and 6). Tehran: Payam Noor University Press. [In Arabic]
- Ibn Arabi, M. (n.d.). *Al-Futuhat Al-Makkiyyah*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Mahdavi Azadboni, R., & Alizadeh, S. M. (2016). The epistemological role of pain and suffering from the perspective of the Holy Quran and narrations. *Quranic Studies Quarterly of Saveh Islamic Azad University*, 7(4), 71-91.
- https://journals.iau.ir/article_653426.html [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2009). *The Holy Quran and the explanation of selected verses*. Tehran: Asvab Publishing House. [In Persian]

(کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دباغ، سروش. (۱۴۰۱). *از خیام تا یالوم*. بنیاد تورنتو، کانادا: سهروردی.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). *لغت‌نامه دهخدا*. اصفهان: بازار کتاب دیجیتالی قائمیه.

ذوالفقاری، علیرضا. (۱۳۹۹). *کارکردهای روان‌شناختی-تربیتی درد و رنج از دیدگاه قرآن کریم*. فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ۱۱، ۴۷۸-۴۶۵.

https://journals.iau.ir/article_675697.html

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. (۱۴۰۴ق). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: دفتر نشر کتاب.

رحیمیان، سعید. (۱۳۹۵). *مبانی عرفان نظری*. تهران: انتشارات سمت.

رودگر، محمدجواد. (۱۳۹۷). *رنج و رهایی از آن در معارف و حیانی با رویکرد عرفانی*. فصلنامه علمی کتاب نقد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۹ و ۲۰، ۵۵-۸۵.

https://naghd.iict.ac.ir/article_255143.html

زرسازان، عاطفه، و قوام، زینب‌سادات. (۱۴۰۱). *تحلیل مؤلفه‌های معنایی مفهوم رنج در قرآن کریم با بهره‌گیری از روابط همنشینی*. دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن (با همکاری مشترک دانشگاه پیام نور و انجمن علمی قرآن و عهدین ایران)، ۱۱(۱)، ۴۹-۶۹.

<https://doi.org/10.30473/quran.2023.61843.3065>

سمیعی، کیوان. (۱۳۷۰). *رساله ترجمه حال کیوان قزوینی، در دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران*. تهران: شریفی، علی، و رضایی، مهدی. (۱۳۹۷). *راهبرد قرآن کریم و روایات در کاهش رنج‌های بشری*. پژوهشنامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبائی، ۹، ۶۷-۹۸.

<https://doi.org/10.22054/rjqk.2019.42295.1909>

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (جلد ۲۰). قم: اسماعیلیان.

- University, 9, 67-98.
https://rjqk.atu.ac.ir/article_10336.html [In Persian]
- Tabatabaei, S. M. H. (1973). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 20). Qom: Ismaili. [In Persian]
- Zarsazan, A., & Ghavam, Z. S. (2022). Analyzing the semantic components of the concept of suffering in the Holy Quran using associative relations. *Scientific Bi-Monthly Journal of Quranic Interpretation and Language Research (in collaboration with Payam Noor University and the Scientific Association of the Quran and the Two Testaments of Iran)*, 11(1), 49-69. https://quran.journals.pnu.ac.ir/article_9441.html [In Persian]
- Zolfaghari, A. (2019). Psychological-educational functions of pain and suffering from the perspective of the Holy Quran. *Quranic Studies Quarterly of Saveh Islamic Azad University*, 11, 465-478.
https://journals.iau.ir/article_675697.html [In Persian]
- Raghib Isfahani, H. b. M. (1984). *The glossary of the words of the Quran*. Tehran: Book Publishing House. [In Persian]
- Rahimian, S. (2016). *Fundamentals of theoretical mysticism*. Tehran: Samt Publications [In Persian]
- Rudgar, M. J. (2018). Suffering and its liberation in revealed teachings with a mystical approach. *Scientific Quarterly of Book Criticism of the Islamic Culture and Thought Research Institute*, 19-20, 55-85. https://naghd.iict.ac.ir/article_255143.html [In Persian]
- Rumi, J. (2005). *Spiritual Masnavi*. Tehran: Rozena Publishing House. [In Persian]
- Sami'i, K. (1991). *The treatise on the translation of Keyvan Qazvini's current situation, in two treatises on the modern history of Iranian Sufism*. Tehran. [In Persian]
- Sharifi, A., & Reza'i, M. (1998). The strategy of the Holy Quran and narrations in reducing human suffering. *Research Journal of Quranic Sciences, Allameh Tabataba'i*

